سمفونی عشق و امید

زمینه آهنگسازی است و اما سمفونی عشق و امید با بیانی تازه از زندگی حضرت محمد(ص)، امامان شیعه و حضرت مسیح (ع) در قالب سمفونی پیامبر اعظم(ع)،آخرین اثر لوریس چکناواریان است. در ششمین روز از برگزاری بیست و دومین جشنواره بین المللی موسیقی فجر، سوئیت سمفونی رسول عشق و امید نوشته سید مهدی شجاعی با رهبری لوریس چکناواریان و ارکستر ارمنستان به روی صحنه رفت. سمفونی رسول عشق و امید، بیانی تازه از زندگی حضرت مسیح(ع) و به دنبال آن تولد و به پیامبری مبعوث شدن حضرت محمد(ص)، اشاعه فرهنگ اسلام از طریق امام علی(ع)، روایت واقعه عاشورا و شرح دلاوری های امام حسین(ع) و یارانش و در ادامه شرح زندگی دیگر امامان و معصومان(ع) است که در نهایت به آخر زمان و ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی(عج) و همچنین حضرت مسیح(ع) به عنوان یکی از یاران حضرت ختم می شود.

چکناواریان معتقداست همه ادیان و پیامبران، پیام خود را از راه نغمه های تأثیر گذار اعلام کرده اند، زیرا کلام بدون آهنگ نمی تواند چندان تأثیر گذار باشد.

او در عین حال به انواع موسیقی مذهبی نیز از نگاه یک آهنگساز نظر انداخته است و می گوید: «موسیقی تعزیه، مراسم محرم و سینه زنی، همچنین آوای قرائت قرآن کریم، همگی جلوه هایی از هنر مذهبی هستند، اما در زمینه موسیقی از کسرال و کرال کم کار شده است. آهنگسازان ایرانی می توانند داستان های مذهبی یا تعزیه را به صورت اپرا یا سمفونی در بیاورند، ولی این کار مستلزم این است که وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، دانشگاه ها یا فرهنگسراهای مختلف، به آهنگسازان سفارش بدهند. چون نوشتن و اجرای چنین کارهای بزرگی هزینه بسیاری را می طلبد.» او ادامه می دهد: «همیشه تعداد آدم هایی که موسیقی را حمایت کرده اند، کم بوده است. موسیقی سخت ترین و پرهزینه ترین رشته هنر است. زمانی که آهنگساز اثر خود را می نویسد فقط یک کاغذ است، ولی رهبر ارکستر باید اثر را گوش دهد. بنابراین اجرا دنیای متفاوتی دارد. همچنین درآمد اپرا خیلی کم است. دلیل این مسأله به پرهزینه بودن اپرا برمی گردد و دیگر این که دولت حتی یک ریال هم کمک نمی کند. البته این مسأله در دنیا صادق است و این مردم هستند که باید به ارکستر کمک کنند. در حال حاضر دولت آلمان ۳۰ اپرا دارد که ۹۹ درصد آنها ضرر ده است، اما با وجود این همه ضرر، چرا این هنر را هنوز زنده نگه داشته اند؟ به این دلیل که برای فرهنگ شان خیلی مهم است. از سوی دیگر اسپانیا را خیلی کم شده در گذشته اسپانیا را افراد تحصیلکرده ای بودند و به دلیل فرهنگ شان به طرف موسیقی کلاسیک جلب می شدند، اما هم اکنون برعکس این است و بازاریاب هستند. این مسأله تراژدی است. این هنر ملیت های مختلف را به هم نزدیک می کند.» او این اوصاف و با این که چکناواریان در این سال ها همواره بر اساس سفارش های متولیان دولتی دست به کار تنظیم قطعات و آهنگسازی و رهبری ارکستر شده است، اما اعتقاد قلبی او به حمایت مردمی از هنر موسیقی است. چکناواریان در همایش نسخ خطی از دست وزیر ارشاد، رئیس مجلس و در حضور چند تن از اعضای هیأت دولت لوح و تندیس دریافت کرد.

او در این سال ها یک مرکز آموزش موسیقی نیز با عنوان فرهنگستان هنر چکناواریان تأسیس کرده است. او درباره انگیزه اش می گوید: «با این که در ایران و در بوروجرد متولد شده ام، اما بیش از نصف عمرم را در خارج از کشور گذرانده ام؛ حالا بعد از سال ها دوری به وطنم بازگشتم، آمده ام تا همه تجربه های خود را در زمینه آموزش موسیقی در اختیار جوانان این مرزوبوم بگذارم، جوانانی که در دنیا بی نظیروفوق العاده اند. می خواهم به فرهنگ و هنر کشورم تا آنجا که در توان دارم خدمت کنم.»

اما یکی از جذاب ترین آثار چکناواریان همانا اپرای رستم و سهراب است که برای نخستین بار در تالار وحدت چند سال پیش اجرا شد: «من در طول بیست و پنج سال، هشت ورژن مختلف از این اپرا نوشتم و دلیل طول کشیدن این کار این بوده که علاقه زیادی داشتم ولی به علت جوانی، قدرت آن را نداشتم که زیاد روی آن مانور بدهم. همین طور بتدریج چیزهای جدیدی آموختم و به زورخانه ها و تعزیه خوانی های مختلفی رفتم و با استادان بسیاری مشورت کردم. خودم هم همراه با این کار رشد کردم. مانند هارتلیست ها که از وزنه کمتر به وزنه سنگین تر روی می آورند. آن قدر پیش رفتم تا به ایده آل خود برسم و به آن چه از ابتدا در ذهن خود به عنوان نتیجه می پروراندم. البته می دانستم که روی صحنه بردن کار بسیار مشکلی است و میلیون ها دلار خرج خواهد داشت بخصوص آن که اپرا را به فارسی نوشتم که فهمیدن آن حتی برای یک فارسی زبان مشکل است. بنابراین به روی صحنه رفتن آن برایم یک رؤیا بود. حالا وقتی در مملکت خودت ایران به این موفقیت دست پیدا کنی... خودتان حدس بزنید که چه قدر به یک معجزه می ماند. می دانید که ما این کار را در ارمنستان ضبط کردیم. در آنجا حتی برای خواندن اپرای آن بعضی خواننده ها، ماه ها نشسته اند و فارسی یاد گرفته اند.»

چکناواریان بخوبی قادر است احساسات درونی اش را بیان کند و مخاطبان گوناگون خویش را با این احساسات پیوند بزند: «من عاشق آهنگهایی هستم که از عشق سخن می گوید، چرا که من آهنگ های پر از احساس را دوست دارم. من عشق را به خدا ارتباط می دهم و اگر کسی خدا را درک کند و بتواند ببیند، می تواند عشق را نیز درک کند.»

تمای مهر
درباره لوریس چکناواریان

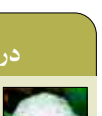

- لوریس چکناواریان
- متولد ۱۲۱۱ در بوروجرد
- تحصیلات ابتدایی در هنرستان عالی موسیقی تهران
- سفر به وین برای ادامه تحصیل در رشته موسیقی
- فارغ التحصیل آکادمی موسیقی وین (موتسارتئوم زالسبورگ) در سال ۱۲۴۱
- فارغ التحصیل رهبری ارکستر از دانشگاه میشیگان
- استاد هنرستان عالی موسیقی تهران۱۲۱۲-۱۲۱۱
- رئیس صداخانه ملی هنرهای زیبای کشور
- آغاز نگارش اپرای رستم و سهراب با حمایت آهنگساز بزرگ کارل ارف
- انتشار آثار پیانویی و بالله فانتاستیک به وسیله انتشاراتی دوبلینگر آترپش
- نخستین اجرای کنسرتو پیانو با ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حشمت سنجری و تک نوازی وینفرید وان درهوفن از
- نگارش۱۵۰ اثر پیانویی از ابتدایی تا استادی به سفارش کارل ارف برای مند ارف
- استاد کالج کنکوردیا
- استاد و رئیس گروه اپرا و سازهای ارکستری دانشگاه مینه سوتا۱۹۷۰-۱۹۶۶
- رهبر ارکستر اپرای تهران
- فعالیت به عنوان رهبر ارکستر فیلارمونیک ارمنستان از سال ۱۹۹۰
- شروع فعالیت آهنگسازی فیلم با ساخت موسیقی متن فیلم کوتاه «جلد مار» ۱۲۴۱
- شروع فعالیت سینمایی با فیلم «جدال در مهتاب» (اثزو دل اکویلا وینچنسو) به عنوان سازنده موسیقی متن در سال ۱۲۴۲
- فعالیت در انگلستان به عنوان رهبر ویژه شرکت آر.سی.ای
- رهبری ارکسترهای مطرح دنیا مانند ارکستر سمفونیک لندن، ارکستر فیلارمونیک لندن، ارکستر سلطنتی لندن، ارکستر سمفونیک هاله، ارکستر فیلار مونیک هلسینکی، ارکستر سمفونیک ارمنستان، ارکستر سمفونیک مکزیک، اتسامبل سازهای ضربی لندن، اتسامبل سازهای ضربی استراسبورگ،ارکستر مجلسی انگلستان، ارکستر سمفونیک بامبوری ژاپن و ...
- مدیر هنری و رهبر ارکستر فیلارمونیک ارمنستان۲۰۰۰-۱۹۸۱
- برپایی فستیوال بزرگ موسیقی وین در تهران
- برپایی فستیوال یک ماهه موسیقی بین‌الملل در تهران، اجرای سوئیت رستم و سهراب و سمفونی ۲ با ارکستر سمفونیک وین، اجرای اپرای رستم و سهراب در سالن فستیوال سنت پولت با هنرمندان اتریشی و اسلواک، اجرای حشمت و شیرین، لیلی و مجنون، اجرای موسیقی زنده بر فیلم صامت اللئو، موسیقی متن فیلم - سریال «بشارت منجی»، اتمام نگارش اپرای رستم و اسفندیار و... نیز از دیگر فعالیت های او در سالهای اخیر است.

چکناواریان بیش از ۷۵ اثر مختلف دارد از جمله ۵ سمفونی، ۲ باله، ۵ کنسرتو و تعداد زیادی آثار مجلسی. همچنین آثار خود و بزرگان موسیقی را برای شرکت های آر.سی.ای، فیلیپس، ای.ام.آی، ای.اس.وی و یونیکورن ضبط کرده است. او همچنین از نخستین آهنگسازان موسیقی فیلم در ایران محسوب می شود و خالق تعداد زیادی موسیقی متن است. چکناواریان نشان ها و مدال های فراوانی هم از شخصیت های مهم جهان دریافت کرده است از جمله دریافت نشان درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فهرست آثار او به عنوان آهنگسازی به بیش از ۷۵ اثر، نشان از استعداد خلاق او در عنوان آهنگساز و رهبر ارکستر تثبیت و هم امکانی برای اجراهای تازه در ایران فراهم کرده باشد. این ویژگی ارتباط سهل و ساده را البته در انتخاب رپرتوار اجرا و نیز نحوه ارتباط با مخاطب نیز می توان در چکناواریان سراغ گرفت. خصوصیتی که گر چه به مذاق بسیاری از موسیقیدانان جدی ایرانی خوش نمی آید، اما توانسته است در اندک زمانی نام چکناواریان را در میان مردم حتی ناآشنا با موسیقی کلاسیک، همطراز و در کنار چهره های موسیقی پاپ در ایران و یا پاپ- کلاسیک های محبوب عامه مردم در ایران همچون یانی و دیگران بنشاند. این ویژگی را البته چکناواریان یکی از موفقیت های خود می داند تا به عنوان یک آهنگساز و رهبر، علاوه بر خلق آثار تازه، راهی برای نفوذ و ارتباط سریع با لایه های مختلف دوستداران هنر در ایران نیز برقرار کند.

لوریس چکناواریان سال ۱۲۱۶ در بوروجرد به دنیا آمد. تحصیلات موسیقی خود را از سال ۱۲۳۲ در هنرستان عالی موسیقی آغاز کرد. بعد از پایان تحصیلات متوسطه به وین رفت و تا سال ۱۲۴۰ در فرهنگستان موسیقی این شهر به تحصیل آهنگسازی و رهبری ارکستر پرداخت. در سال ۱۹۶۱ میلادی با رتبه اول از آکادمی موسیقی وین در رشته آهنگسازی فارغ التحصیل شد. از آثار این دوران او می توان به کنسرتو ویولن، کنسرتو پیانو، باله فانتاستیک برای سه پیانو و سازهای ضربی و آثار پیانویی دیگر اشاره کرد.

در سال ۱۹۶۳ به ایران بازگشت و ضمن تدریس در هنرستان عالی موسیقی و ترتیب دادن نمایشگاهی از سازهای ملی در انستیتو گوته تهران، تصدی صداخانه ملی هنرهای زیبای کشور را عهده دار شد. چکناواریان در اواخر سال ۱۳۴۲ رهسپار اتریش شد و در سالزبورگ کار آهنگسازی را ادامه داد. دو سال بعد به آمریکا رفت و چند سال در دانشگاه میشگان به ادامه تحصیل در رشته های آهنگسازی و رهبری ارکستر پرداخت. در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و علاوه بر کنسرت هایی با ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر مجلسی و تلویزیونی ملی ایران و...(به عنوان رهبر میهمان)، آثار متعددی آفرید که بیشتر آنها در تالار رودکی اجرا شد. او در این دوران استاد هنرستان عالی موسیقی تهران بود، رئیس صداخانه ملی شد، نگارش اپرای رستم و سهراب را آغاز کرد، آثار پیانویی و باله فانتاستیک او را انتشاراتی دوبلینگر اتریش منتشر کرد و نخستین اجرای کنسرتو پیانوی او را ارکستر سمفونیک تهران به رهبری حشمت سنجری و تک نوازی «وینفرید وان درهوفن» به روی صحنه برد. سال ۱۹۶۵ با حمایت آهنگسازبزرگ، کارل ارف، کارنگارش اپرای رستم و سهراب را ادامه داد، دوستی او با کارل ارف نتایجی نیز در زمینه تحقیق برای آموزش موسیقی به کودکان به دنبال داشت. نگارش ۱۵۰ اثر پیانویی از ابتدایی تا استادی به سفارش کارل ارف برای مند ارف که قسمتی از آنها را انتشاراتی شُت منتشر کرد نیز از دیگر نتایج این آشنایی بود. چکناواریان از ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰ استاد کالج کنکوردیا، استاد و رئیس گروه اپرا و سازهای ارکستری دانشگاه مینه سوتا بود. در خلال این سال ها و همزمان با حضور پراکنده در ایران او فعالیت در انگلستان را به عنوان رهبر ویژه شرکت آر.سی.ای. آغاز و تعداد زیادی از آثار مطرح دنیا را در آنجا ضبط کرد. آثاری که تعدادی از آنها در سال های اخیر جزو «اجراهای تاریخی» قرار گرفته اند. اتمام نگارش اپرای رستم و سهراب، باله تللو، سمفونی ۱ و ۲، رکوئیم برای ارکستر سولیست و گروه کر، اوتورتو به کتاب مکاشفه، حاصل این دوران کاری لوریس چکناواریان است. او همچنین رهبری ارکسترهای مطرح دنیا را مانند ارکستر سمفونیک لندن، ارکستر فیلارمونیک لندن، ارکستر سلطنتی لندن، ارکستر سمفونیک هاله، ارکستر فیلارمونیک هلسینکی، ارکستر سمفونیک ارمنستان، ارکستر سمفونیک مکزیک، اتسامبل سازهای ضربی لندن، اتسامبل سازهای ضربی استراسبورگ، ارکستر مجلسی انگلستان، ارکستر سمفونیک بامبوری ژاپن و غیره... را بر عهده داشته است.

چکناواریان مدتی نیز در نیویورک مستقر بود. استقرار در نیویورک به نگارش سمفونی ۳ و ۴ و ۵، کنسرتو ویولنسل، کنسرتو بی پا، کنسرتو گیتار منجر شد. نخستین اجرای کنسرتوگیتار چکناواریان را په په رومرو اجرا کرد. چکناواریان در سال ۱۳۵۱ به رهبری ارکستر ایرای تهران منصوب شد. مدتی بعد از اوبرای رهبری ارکستر سمفونیک ارمنستان دعوت شد تا به آن کشور برود. چکناواریان در ایروان به فعالیت های هنری خود ادامه داد. چکناواریان تا سال ۲۰۰۰ مدیر هنری و رهبر ارکستر فیلارمونیک ارمنستان بود و با سفر به کشورهای اروپایی، کانادا و ایالات متحده موفقیتهای بزرگی را به دست آورد، از آن جمله است اهدای ساز و وسایل ضبط موسیقی به ارزش نیم میلیون دلار از سوی دولت ژاپن، ضبط آثار بزرگ برای شرکت آ.اس.وی انگلستان، ضبط صفحات رسمی دویستمین سالگرد موتزارت و صدمین سالگرد استراوس به سفارش شبکه تلویزیونی آ.ار.اف. اتریش. این شبکه فیلم مستندی نیز از زندگی و فعالیت های هنری- اجتماعی چکناواریان تولید کرد. چکناواریان در دهه گذشته حضور بیشتری در ایران داشته و در خلال این سال ها، نخستین اجرای اپرای رستم و سهراب را در تالار وحدت به روی صحنه برده است. برپایی فستیوال بزرگ موسیقی وین، در تهران، اجرای باله رومئو و ژولیت پروکفیف در اپرای وین برپایی فستیوال یک ماهه موسیقی بین الملل در تهران، اجرا سوئیت رستم و سهراب و سمفونی ۲ با ارکستر سمفونیک وین، اجرای اپرای رستم و سهراب در سالن فستیوال سنت پولت با هنرمندان اتریشی و اسلواک، اجرای خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، اجرا موسیقی زنده بر فیلم صامت اللئو، موسیقی متن فیلم - سریال «بشارت منجی»، اتمام نگارش اپرای رستم و اسفندیار و... نیز از دیگر فعالیت های او در سالهای اخیر است.